



## در کشاکش روسیه با امریکا چرا اروپائیان امریکا را انتخاب کردند؟

چرا کشورهای اروپایی در موضوع حمایت از اوکراین در جنگ با روسیه، تامین سلاح به اوکراین، بسیاری از آنها، پشت سر ایالات متحده قرار گرفته اند؟

در یکسال جنگ اوکراین، تا کنون اروپائیان کمک های مالی و نظامی هنگفتی به اوکراین کرده اند و بسیاری از آن ها به طور کلی در تمام مجامع جهان علیه روسیه و به جانبداری از اوکراین رای داده اند، و تعذیرات سیاسی، تجارتي، صنعتی و ترانسپورتی بی شماری علیه روسیه وضع کرده نذایر پولی روسیه را در بانکهای خود منجمد کرده اند. اروپائیان بدینگونه اقتصاد خود را از تجارت با روسیه محروم کرده شریانهای حیاتی بسیار ارزان قیمت انرژی گاز و نفت و مواد خام معدنی روسی را که سبب رونق اقتصادی و صنعتی آنها در ۷۵ سال گذشته شده بود بالای خود قطع کرده و یا امریکا برایشان قطع کرده است. اوضاع در کشورهای اروپایی چگونه است؟ میگویند در انگلستان مردم میان خریدن مواد غذایی و یا گرم کردن منازل خود باید یکی را انتخاب کنند! در سایر کشورهای اروپایی هم وضع از این بهتر نیست. در آلمان یک کارخانه تولید فلزات که از سال ۱۹۱۳ تاکنون فعال بود نظر به محروم شدن از گاز و نفت ارزان روسی به افلاس رسید و دروازه های خود را بست، یک تعداد زیاد فابریکات در کشورهای اروپایی از کار افتاده اند و مجبور به انتقال به امریکا شده اند.

بیا بید بپرسیم پس این اقدامات چه سودی برای اروپا دارد و چرا آنها این کارها را بر ضد روسیه را انجام می دهند؟ پاسخ به این سوالات جنبه های مختلف دارد .

دلیل اول آن است که ، اروپایی ها از روی عادت این کار را انجام دادند. تحت عنوان کلی "جهان غرب"، در طول ۷۵ سال گذشته، از پایان جنگ جهانی دوم به بعد بیشتر کشورهای اروپای غربی از حمایت ایالات متحده برخوردار بوده اند، توسط اردوی ایالات متحده محافظت می شوند و منافع

خود را به بهترین نحو از نظر اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی با خوب بودن روابط با امریکا تامین می کنند. متحد بودن با ایالات متحده چیزی است که سیاستمداران اروپایی همچنان آسترالیایی را میتوان به آنها اضافه کرد، در تمام طول حیات مسلکی خود به آن عقیده، اعتماد و پیوند داشته، آموزش دیده و از رسانه های غربی همه شب و روز شنیده و دیده اند.

دلیل دوم این است که ایالات متحده به طور مؤثر اروپایی ها را متقاعد کرد، اگر آنها قبلاً آن را باور نکرده بودند، در رقابت بین ایالات متحده با تولید ناخالص داخلی ۲۱ تریلیون دلار و روسیه با تولید ناخالص داخلی یک و نیم تریلیون دلار نتیجه رقابت به سرعت و با خوشحالی و قاطعیت به نفع امریکا به پایان خواهد رسید. عبارت دیگر، روسیه فرو می پاشد و اگر به گذشته برگردیم با شروع جنگ در هفته های پس از فبروری ۲۰۲۲ نگاه کنیم، این همان چیزی است که همه آنها پیشبینی کرده بودند. بنابراین با توجه به آنچه که آنها فکر می کردند اتفاق می افتد، این راهی برای نزدیکتر شدن به امریکا بود و ظاهراً خطر اندکی در قبال داشت و از جانب دیگر به نفع تولید کنندگان تجهیزات نظامی نیز بود. بنابراین در انتخاب میان روسیه و امریکا، اروپاییان امریکا را انتخاب کردند و جهان غرب به گرد امریکا حلقه زد و باهمدیگر بیش از گذشته همدست و متحد شدند تا جاییکه حتی کشورهای بالنسبه بیطرف اروپایی مانند فنلاند، سویدن، دنمارک بیطرفی خود را کنار گذاشته به اتحاد جهان غرب پیوستند.

دلیل سوم آن است که نیروهای مسلح کشورهای اروپایی فرصت توسعه و افزایش نفوذ خود را درک کردند. از یکطرف صنایع نظامی می توانستند ببینند که تقاضا برای تجهیزات برای ارسال به اوکراین مستلزم تعویض تجهیزات کهنه و خریداری تجهیزات نوین است و این امر سفارشات سنگینی برای اردوهای اروپایی در بر داشت. مثال خوب آلمان است، آلمانی که مقدار هنگفت پول اضافی را در مقایسه با آنچه که در سال های گذشته انجام می دادند به نیروهای مسلح خود اختصاص داد. بنابراین اردوی آلمان سود برد. پولند و بسیاری از کشورهای اروپای غربی مثال آلمان را تعقیب کردند. تعدادی از دولت ها از موقف سیاسی چپ مرکزی به جناح راست تغییر مکان داده اند. چپ میانه معمولاً نسبت به اتحاد با ایالات متحده تردید بیشتری دارد آنها با آنکه از امریکا حمایت می کنند، اما با انتقاد، با شک و تردید. راست میانه حمایت از امریکا را در محراق سیاستهای خود میبیند. بنابراین موضع گرفتن در پشت ایالات متحده فرصتی بود برای راست میانه برای پیروز شدن و برای ایجاد تبلیغات در مورد حمایت سیاسی از اوکراین.

با تعقیب این سیاستها اروپاییان مصارف چشمگیری نیز متحمل شدند. و کاملاً واضح است که آنها بد محاسبه کرده بودند. برای اروپا قیمت حمایت از موقف امریکا در جنگ اوکراین به قیمت بسیار گزافی تمام شده است. هزینه ها بسیار زیاد است. اولین مورد از این واقعیت ناشی می شود که آنها اشتباه فهمیده اند. و به احتمال زیاد، ایالات متحده آنها را در این سوء تفاهم هدایت کرد که روسیه یک شبه فروپاشیده و فرو خواهد ریخت.

البته امروز بیان این واقعیت، که بیش از یک سال از جنگ گذشته، بسیار آسان است، اما فروپاشی وعده داده شده در روسیه در هیچ جا دیده نمی شود.

اما اروپائیان باید درک می کردند که چه ارتباطی در طول سال ها بین روسیه، ترکیه، هند و بالاتر از همه چین ایجاد شده است. منظور این است که اروپاییان باید میدانستند که روسها دوستانی خواهند داشت، روس ها متحدانی خواهند داشت، اینکه روس ها می توانند مشکلات تحریم های غرب علیه خود را به سادگی با انجام آنچه رییس جمهور او با ما زمانی "چرخش بزرگ به شرق به محور آسیا" را در سیاست های خارجی آمریکا گفته بود مرتفع کرد. در حالیکه منظور او با ما ایجاد پیمانهای نظامی جدید در شرق برای در محاصره قرار دادن بیشتر چین بود، اما در عمل این "چرخش به شرق" را روسیه انجام داد، روسیه خیلی زودتر از ایالات متحده به جانب شرق چرخید، و این چرخش برایش نتیجه داد. امروز روسیه نظر با یکسال قبل قدرتمند تر است. روسیه دوستان بزرگی دارد که نفت و گاز خود را به آنها می فروشند و بیشتر با آنها تجارت می کنند. روسیه واقعاً به سمت آسیا حرکت کرده است.

اروپایی ها گرفتار توهم بیجا از قدرت امریکا شده اند. اشتباه محاسبه کردند. آنها اکنون به دنبال راهی برای خروج هستند. پیدا کردن یک چنین راهی برای آنها سخت است. آنها نمی خواهند ایالات متحده را ناامید کنند، اما می ترسند. باید روشن شود که آنها از چه چیزی میترسد، که ممکن است سبب اشتباه محاسبات آنها شده باشد.

در حال حاضر دو بلاک در جهان وجود دارد. از یک طرف آمریکا با اروپا و استرالیا. از سوی دیگر، چین، روسیه، ایران، ترکیه، عربستان سعودی، کشورهای بریکس و کشورهای علاقمند به شمولیت در بریکس. که نیمی از مردم جهان هستند، اگر نه بیشتر، با یک ماشین اقتصادی قدرتمند در مرکز خود در وجود چین.

اروپایی ها بین ایالات متحده، متحد قدیمی شان، و وسوسه پیدا کردن یک متحد جدید، جایی که پول بیشتری باید به دست آورد، جایی که تجارت بیشتری انجام می شود، جایی که متحد امن تری برای

کار کردن وجود دارد، گرفتار شده‌اند. و تماشای مراسم یک هفته پیش که چین میانجی گر صلح میان جوامع اسلامی شیعه و سنی بود، بین ایران و عربستان سعودی تحت نظارت چین. . . ، یکی از کشورهای پیشرو جهان که به انرژی نیاز دارد، اکنون حافظ دو کشور مهم تولیدکننده نفت در جهان است. ایران، عربستان سعودی از قبل روسیه را به عنوان متحد دارند. دنیا در حال تقسیم شدن است. و نگرانی در اروپا این است که آیا "ما اشتباه انتخاب کردیم؟"

جهان از زوایای متعدد در حال تغییر است و جهت تغییر نیز اکنون مشخص شده است. تبدیل چین به بزرگترین اقتصاد تولیدی دنیا و تبارز مجدد روسیه به یک ابر قدرت نظامی و صادر کننده انرژی و مواد معدنی این تغییر را ممکن ساخته است. اروپا درست در اوج معنای ابهام، ناباوری، انکار و خود فریبی در نهایت مقابله با پیامدهای این تغییرات برای هر کشور اروپایی قرار دارد. امیدوارم این نوع تحلیل مفید واقع شود.

پایان